۱- مؤسسه اعانه ملی برای دموکراسی و نهادهای وابسته نظیر مؤسسه دموکراتیک ملی و مؤسسه بین‌المللی جمهوریخواهی
۲- مرکز امریکایی برای همبستگی کارگران
۳- بنیاد جامعه باز
۴- خانه آزادی
۵- صندوق ژرمن مارشال امریکا
۶- بنیاد دموکراسی در ایران
۷- مرکز بین‌المللی برای انتقال دموکراسی

۵- زنجیره‌های ارتباط‌مالی سرشبکه‌های خارجی با مزدوران داخلی

انتقال و توزیع پول بیگانگان بین عوامل مزدبگیر داخلی که متولی پروژه‌های نفوذ هستند به روش‌های مختلف و متنوعی صورت می‌گیرد. تاکنون شیوه‌های گوناگونی کشف و عوامل متعددی بازداشت شده‌اند. به عنوان مثال اخیراً شبکه‌ای شناسایی و بازداشت شد که از «روش تهاتر» با افراد ایرانی متردد به خارج از کشور، همچون دانشجویان و فعالین حوزه ساخت‌وساز مسکن سوءاستفاده می‌کرد. در این شیوه، عامل اصلی یا کارگزار وی در یکی از کشورهای همسایه، افراد نیازمند ارز خارجی در کشور مقصد را شناسایی کرده، مبلغ مورد نیاز آنها به همراه پورسانت همکاری را تأمین نموده و از آنان می‌خواستند وجه را پس از بازگشت به کشور به حساب تعیین شده (حساب پیاده نظام امریکا) واریز کنند.

در شیوه دیگر، انباشت یا سود برخی از وجوه سرمایه‌گذاری شده در بسترهایی همچون کارگاه‌های خرد، مجموعه‌های مرتبط با بازاریابی شبکه‌ای داخلی، سوءاستفاده از رمزارزها، بهره‌گیری از صرافی‌های غیرمجاز و ... را به پروژه‌های امریکایی‌ها در داخل کشور تزریق می‌نمودند. با این شیوه‌ها عملاً مبدأ و مقصد وجوه پروژه‌های نفوذ، مخفی شده و کار شناسایی آن دشوار می‌شد. اما به‌رغم اقدامات عوامل CIA برای پیچیده‌سازی ابعاد انتقال وجه به داخل، ردیابی اطلاعاتی - مالی چند لایه در مورد واریزکنندگان و دریافت‌کنندگان وجوه مربوط به پروژه‌ها انجام و نهایتاً تبادلات مالی و اطلاعاتی شبکه‌های یاد شده شناسایی و عوامل آن بازداشت شدند.

۶- شناسایی و سازمان‌دهی شبکه اراذل و اوباش

سرویس‌های اطلاعاتی امریکا و رژیم صهیونیستی در سال‌های گذشته از طریق شناسایی اراذل و اوباش متردد به خارج از کشور در مراکز قمار و فساد و فحشا و ارتباط گیری بعدی با آنها در داخل کشور، تلاش‌های گسترده‌ای برای تزریق پول و امکانات، مسلح کردن آنها به سلاح گرم و انواع دیگر تجهیزات، ارائه آموزش به طرق مختلف به منظور توانمند کردن آنان برای عملیات خرابکارانه علیه مراکز و تأسیسات مهم، راه‌اندازی آشوب و تولید خشونت علیه مردم عادی و همچنین نیروهای انتظامی و بسیج به عمل آورده‌اند. متأسفانه حضور پرحجم و اقدامات مجرمانه اراذل و اوباش و نوپدیدها در آشوب‌های اخیر کاملاً مشهود بود و حکایت از سازماندهی قبلی داشت. اما پیش از آشوب اخیر، حضور اراذل و اوباش در چندین طرح ترور، عملیات ایذایی، خرابکاری، تهدید و ایجاد وحشت، احراز شده بود که در جملگی موارد به استخدام صهیونیست‌ها، امریکایی‌ها یا گروهک منافقین درآمده بودند و تعداد قابل توجهی از آنها بازداشت و بعضاً اعترافات آنها از صدا و سیما پخش گردید. (همچون مستندهای وفا و لات مجازی که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید).

۷- سندیکاسازی و پیوند آنها به یکدیگر

یکی از محورهای اصلی تحرکات زمینه‌ساز سرویس‌های اطلاعاتی دشمن برای وقوع آشوب در کشور، تلاش برای تأثیرگذاری بر اقشار شریفی همچون معلمان، کارگران و دانشجویان از طریق ایجاد گروه‌های جعلی و آلوده و رهبرسازی برای سوءاستفاده این طبقات بوده که هوشیاری، میهن‌دوستی و احساس مسئولیت مثال‌زدنی این اقشار ارجمند موجب خنثی‌سازی توطئه‌های بیگانه شده است. مأموران اطلاعاتی و امنیتی کشور بر بسیاری از ابعاد آن قبیل تحرکات اشراف داشته و در مواردی مشارکت مستقیم اتباع بیگانه و مرتبط با سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای اروپایی را در این باره مورد ضربه قرار داده و نتیجه را به استحضار مردم شریف ایران رسانده‌اند (ازجمله مستند «داستان یک مأموریت» مربوط به اقدامات مجرمانه دو مأمور فرانسوی که اخیراً از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد).

۸- تشدید و ترکیب سیاست فشار حداکثری ترامپ توسط بایدن

دولت کنونی امریکا علیرغم ادعای تغییر راهبرد نسبت به دولت قبلی، عملاً در ادامه مسیر فشار حداکثری ترامپ و با توجه به شکست آن خط مشی، به تصریح خود مقامات امریکایی، حوزه‌های نوینی به آن افزوده است؛ منجمله با حفظ سیاست فشار حداکثری تحریمی، حوزه تأثیرگذاری در درون کشور، قطبی‌سازی و تلاش برای از بین بردن بافت اجتماعی قدرتمند مردم ایران را هدف قرار داده است. در این راستا دولت امریکا که سابقه کودتاهای ننگین نظامی در ایران را داد، منابع برنامه‌هایی را که در لفّافه عناوین پرزرق و برقی چون توسعه دموکراسی و مقابله با تروریسم پیچیده شده افزایش داده و درخواست ارتقای آن را برای سال مالی ۲۰۲۳ در موضوع ایران داد. این برنامه اساساً معطوف به بی‌ثبات‌سازی محیط امنیتی داخل کشور، توسعه نفرت و خشونت و ایجاد ناامنی روانی در جامعه ایران است. در این راستا علاوه بر تقویت و توسعه ساختاری و مالی بخش ویژه در واحد NCS در سازمان اطلاعات مرکزی امریکا، بودجه و منابع انسانی حوزه‌های شبه مدنی در وزارت خارجه در موضوع ایران مانند دفتر اطلاعات و تحقیق، دفتر امنیت بین‌الملل، دفتر مبارزه با تروریسم و دفتر امور خاور نزدیک را افزایش داده است که در واقع منابع مالی لایه میانی مذکور را تأمین کرده‌اند که در ادامه به برخی از این بودجه‌ها اشاره خواهد شد.

۹- حمایت از گروهک‌های تروریستی و تلاش برای ائتلاف آنها

دولت تروریست ایالات متحده در ادوار و دولت‌های مختلف خود سابقه رسوای حمایت از خونخوارترین گروهک‌های تروریستی را داشته و دارد. از آن جمله است تضاد رفتاری شگفت‌انگیز از مرحله قرار دادن نام جانیان آلبانی‌نشین در لیست سیاه تروریستی تا خارج کردن اسم جنایتکاران منافق از آن لیست، حمایت مادی و معنوی از آنها، تا حضور بلند پایگان رژیم مافیایی در اجلاسیه‌های نمایشی منافقین! منجمله حضور افرادی همچون جان بولتون، پمپئو و مایک پنس (مشاور امنیت ملی اسبق رژیم، رئیس سازمان سیا و وزیر خارجه سابق و معاون اول رئیس جمهور سابق رژیم دژخیم امریکا) و تعداد فراوانی نماینده کنگره و سناتور امریکایی در مقر گروهک تروریستی منافقین در سال‌های گذشته. برای سال‌جاری نیز از رئیس جمهور سابق و قاتل سردار بزرگ جهان اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی برای حضور در جمع کفتارهای آن گروهک دعوت شده بود که بنا به گفته اعضای گروهک منافقین، برخی حوادث روی داده در آستانه مراسم آنها در کشور آلبانی و احتمال وجود تهدید جدی به جان آن قاتل، حضور وی (ترامپ) در آن مراسم منتفی و اصولاً برگزاری مراسم مورد نظر آنها لغو گردید!

از همین سنخ است تماس امریکایی‌ها با گروهک جنایت پیشه و شخص عبدالمالک ریگی معدوم در گذشته تا ارتباطات این روزها با گروهک‌های مختلف تروریستی که نام اقوام شریف ایرانی کرد، تُرک، عرب و بلوچ را بر خود می‌نهند اما جملگی آن گروهک‌ها، دشمنان آن اقوام عزیز غیور گرامی بوده و تجزیه‌طلبانی هستند که مأموریت امریکا و اذنابش را دنبال می‌کنند.

بخش دوم) مرحله حین آشوب‌ها

در بخش اول به اختصار بخشی از تمهیدات ائتلاف شیطان بزرگ برای آماده‌سازی قبلی و زدن جرقه آشوب‌ها مورد اشاره قرار گرفت. در این بخش نیز صرفاً به گوشه‌ای دیگر از خباثت‌های آن ائتلاف و البته در حدی که ملاحظات امنیتی اجازه می‌دهند، اشاره می‌شود. شاید در آینده با کاهش محذورهای مذکور تشریح مبسوطی از برنامه‌های حریف به‌عمل آید:

۱- بودجه ویژه فضای سایبر در زمان آشوب

طبق اطلاعات کاملاً موثق، سازمان CIA علاوه بر بودجه سالیانه اختصاص داده شده برای سازمان‌های سابق‌الاشاره، اخیراً و پس از آغاز آشوب‌ها در ایران، بودجه کمکی معادل حدود ۵۳ میلیون دلار دیگر، با ترک تشریفات اداری- مالی در دو مرحله به آن سازمان‌ها اختصاص داده و توصیه کرده است که این بودجه در درجه اول برای امور به‌اصطلاح رسانه‌ای و تقویت ابزارهای اینترنتی به‌منظور حفظ ارتباط با آشوبگران هزینه شود!

۲- اقدامات امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های فناوری و رسانه

در ماه‌های گذشته اجرای عملیات‌های گسترده علیه امنیت روانی مردم ایران در قالب کمپین‌های گسترده سیاسی و اجتماعی، حوزه‌ای از تلاش‌های سرویس اطلاعاتی امریکا برای فشار بر مردم ایران بود. راه‌اندازی جنگ اطلاعاتی و شناختی با عاملیت نهادهای اطلاعاتی و نظامی مانند سیا، سایبرکام و سنتکام، امروز در خود امریکا نیز هیاهو به راه انداخته است. به‌طوری که افشای بخش کوچکی از عملیات فریب سایبری گسترده امریکا علیه افکار عمومی ملت ایران، باعث شد تا واکنش‌های مقامات امریکایی را برانگیزد و حتی پس از آن برخی رسانه‌های امریکایی تلاش کردند تا برای درزگیری از رسوایی به‌وجود آمده برای دولت امریکا از سطح و گستره عملیات‌های ننگین انجام شده بکاهند، البته خود می‌دانند که پرداختن بیشتر به این موضوع و افشای ابعاد بیشتر آن و نهایتاً اعتراف به شکست‌های تحمیل شده، هزینه‌های این سرویس‌ها را به‌شدت افزایش خواهد داد.

ردیابی، شناسایی، ضربه و افشای چند صد هزار حساب کاربری قلابی فارسی زبان که با توسل به اخبار جعلی و بزرگنمایی مشکلات و کوچکنمایی دستاوردها، به‌طور ناشیانه‌ای اقدام به تولید میلیون‌ها پیام و محتوای گمراه کننده برای فریب مخاطبین فارسی زبان می‌کردند، ناکارآمدی توان عملیاتی دست اندرکاران این پروژه‌ها را به کارفرمایان امریکایی خود اثبات کرد. هدف پنهانی این کمپین‌ها ترویج تنفر در جامعه ایرانی و ایجاد رفتارهای خشن قطبی بود. افزون براین، تأمین مالی و شبکه‌سازی کنشگران اجاره‌ای ضدانقلاب برای اجرای جنگ شناختی علیه مردم ایران از طریق آنچه که «مرکز تعامل جهانی»(GEC) نامیده‌اند، نمونه‌ای از فعالیت‌های ضربه خورده دیگر امریکا در این حوزه بوده که تحت اشراف قرار گرفته است. امریکایی‌ها در عرصه فناوری و فعالیت‌های رسانه‌ای با عنایت به افزایش اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی و مرجعیت خبری آنها، «عملیات‌های تأثیرگذاری» و «جنگ ترکیبی» بزرگی علیه مردم مظلوم ایران در فضای سایبر به راه انداختند که ذیلاً مواردی به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرند:

■ ۲/۱- توئیتر

توئیتر به دستور رژیم امریکا، میدان نبرد و جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران را با نادیده گرفتن همه قوانین بین‌المللی و دستورالعمل‌های فنی و حقوقی توئیتر، به سود دشمنان ایران هموار کرد تا پیاده نظام اجاره‌ای و ضدانقلاب خارج‌نشین به هدایت سرویس‌های اطلاعاتی و با ساختن هزاران کاربر جعلی (ربات) و انتشار اخبار هدفمند و دروغ، افکار عمومی را در ایران و جهان فریب دهند. بر اساس پایش توئیتر فقط در بازه زمانی ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ تا ۲۰ مهر ۱۴۰۱ بیش از پنجاه هزار کاربر جدید فارسی زبان با هویت‌های جعلی در توئیتر ساخته شده است تا علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت کنند. این در حالی است که پیش از آن ماهانه حداکثر در حدود چهار هزار کاربر فارسی زبان در توئیتر ایجاد می‌شده است. همچنین توئیتر با حداقل ده برابر کردن ظرفیت انتشار پیام برای هر کاربر در ساعت و لغو بسیاری محدودیت‌های دیگر، نهایت سعی خود در کمک به بزرگنمایی و برجسته‌سازی اخبار جعلی و تشدید جنگ ترکیبی علیه جامعه فارسی زبان را در سراسر جهان اعمال کرد.

فراوانی این اقدامات موجب شد برخی جناح‌های سیاسی امریکا نسبت به این موضوع احساس خطر کرده و در گزارش‌های متعدد مانند گزارش CNN با عنوان «کمپین دستکاری هماهنگ» به تخلفات توئیتر از قوانین اعتراض نمایند!

■ ۲/۲- اینستاگرام

در پرده‌ای دیگر شرکت متا، مالک اینستاگرام و واتساپ نیز مشابه توئیتر، تمام قوانین بین‌المللی و قوانین رسمی خود را در مقطع اغتشاشات ایران زیر پا گذاشت و با اقداماتی از قبیل دستکاری عمدی الگوریتم‌های هوش مصنوعی باعث شد اخبار جعلی، موارد نفرت افکنی و اقدامات خشونت‌آمیز با شدت بسیار زیاد برای جامعه ایرانی به صورت هدفمند منتشر شود. همچنین این شرکت همانند توئیتر به دستور سرویس اطلاعاتی امریکا، با حمایت همه جانبه از صفحه‌های دروغ‌پراکن ضدانقلاب خارج‌نشین و مزدوران سعودی و با پر تعداد نشان دادن مخاطبین اخبار و اطلاعات این صفحات مانند صفحه رسمی نارسانه سفارشی کار موسوم به ایران اینترنشنال، سعی در ایجاد خطای محاسباتی در ذهن مخاطب ایرانی نمود. اینستاگرام با برانگیختن احساسات جامعه ایرانی خصوصاً جوانان و نوجوانان سعی در ایجاد ناامیدی، بالا بردن سطح خشونت و ایجاد شکاف اجتماعی در لایه‌های مختلف جامعه داشت و با اجرای عملیات تأثیرگذاری سایبری بر افکار عمومی، کاربران ایرانی این فضا را مورد حملات شناختی قرار داد. یکی از معروف‌ترین شگردهای این جنگ شناختی، «اجاره انسان رسانه‌ها» نام دارد. در این روش، دشمن برخی از حساب‌های کاربری معروف در اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی امریکایی مربوط به چهره‌های معروف (سلبریتی‌ها) را که دارای دنبال‌کنندگان میلیونی هستند برای مدتی اجاره می‌کند و با انتشار اطلاعات جعلی یا جهت‌دار، از هویت آن چهره‌ها برای باورپذیری مخاطب سوءاستفاده می‌کند. بر اساس اطلاعات موثق در اغتشاشات ایران برخی از انسان رسانه‌های مقیم آلمان و امارات حساب‌های کاربری خود را به‌طور کامل به عوامل شناخته شده سرویس اطلاعاتی امریکا اجاره دادند!

جامعه فهیم ایرانی سانسور تصاویر سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی را در این شبکه‌های اجتماعی امریکایی فراموش نکرده است و جای این سؤال وجود دارد که ابلاغیه مربوط به سانسور، محدودسازی و اجرای آن را کدام تشکیلات اطلاعاتی به این شرکت‌ها داده است و آنها چه دلیل قانع‌کننده‌ای برای این رفتار دوگانه و حمایت همه‌جانبه از اغتشاشگران برای افکارعمومی جامعه ایرانی دارند؟

■ ۲/۳- استارلینک

اگر چه آزادی دسترسی به اینترنت یکی از شعارهای دروغین لیبرال دموکراسی غرب است و آنها مدعی هستند اینترنت آزاد باید در دسترس همگان باشد اما بسیاری از خدمات اینترنتی و نرم‌افزارهای مفید برای جامعه جهانی و مردم ایران توسط دولت امریکا مسدود شده است. این مدعیان دروغین آزادی با ارائه اینترنت‌های خارج از حاکمیت کشورها مثل استارلینک که طبق قوانین بین‌المللی باید با نظارت و رضایت کشور میزبان ارائه شود، سعی در گسترش دیکتاتوری اینترنتی امریکا دارند. مصداق روشن این تضاد رفتاری علاوه بر موارد فوق‌الذکر، اقدام دولت امریکا مبنی بر انسداد و محدودیت خدمات‌رسانی ابزارها و فناوری‌های ارتباطی و اینترنتی غیرامریکایی در امریکا است.

کارگزاران دولت مافیایی امریکا در اقدامی مداخله‌جویانه، به شرکت استارلینک دستور دادند بدون رعایت ضوابط و مقررات بین‌المللی و بدون دریافت مجوزهای لازم در ایران، برای دسترسی اغتشاشگران، اینترنت غیرقانونی ارائه دهد. همزمان سرویس‌های اطلاعاتی دشمن نیز ظرفیت‌های مختلف خود را برای قاچاق تجهیزات غیرقانونی این شبکه به داخل کشور فعال کردند.

■ ۲/۴- حملات سایبری

حملات سایبری رژیم مافیایی امریکا و دست‌پروردگان و مزدبگیران آن مقوله مبسوطی است که به بحثی جداگانه نیاز دارد، اما صرفاً به‌عنوان نمونه می‌توان به ده‌ها گروه هکری که وابستگی آنان به امریکا محرز است، اشاره کرد که با حملات هدفمند چه به صورت حملات منع سرویس (DDOS) و چه نفوذ و از کار انداختن خدمات و روش‌های دیگر، تلاش داشتند ضرباتی بر روند عادی کشور وارد کنند که با تدابیر اتخاذ شده، در بسیاری حملات از شیطنت‌های آنها پیشگیری به عمل آمد. حمله به سامانه‌هایی که خدمات عمومی و مردمی ارائه می‌دهند، هدف مشخص و تعریف شده آنها است؛ چنانکه در حمله به سامانه سوخت کشور در سال گذشته، حمله به سامانه‌های شهرداری تهران و حمله به سامانه‌های سرویس مدارس نشان دادند ایجاد مزاحمت برای مردم هدف اصلی آنها بوده است. در مقطع اغتشاشات اخیر نیز ده‌ها حمله هکری به سازمان‌های خدمات‌دهنده به مردم به عمل آمد که با تدابیر دستگاه‌های ذی‌ربط خنثی شدند.

اقدامات رژیم دژخیم امریکا در عرصه فناوری و رسانه به این چهار محور خلاصه نمی‌شود و خباثت‌ها و مزاحمت‌های آن رژیم مقوله گسترده‌ای است که در فرصت مناسب به آن پرداخته خواهد شد.

۳- حضور تیم سازمان سیا در مقر گروهک‌های ضد انقلاب

در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ تیمی از C.I.A با پوشش وزارت خارجه امریکا، با حضور در مقر گروهک تجزیه‌طلب موسوم «به حزب دموکرات کردستان ایران» در شهر اربیل کردستان عراق با سرکرده آن گروهک به نام مصطفی هجری دیدار و گفت‌وگو کرد. تیم سازمان جاسوسی امریکا ضمن تقدیر از ادغام دو جناح گروهک، از آنها می‌خواهند در اغتشاشات رخ داده در برخی شهرهای کردستان ایران، بیش از این ایفای نقش کنند. در این نشست طاهر محمودی، کمال کریمی، محمدنظیف قادری و محمدصالح قادری؛ سرکرده گروهک را همراهی می‌کردند. شایان ذکر است در گذشته نیز سازمان سیا، مصطفی هجری و عبدالله مهتدی (سرکرده گروهک کومله) را به امریکا فراخوانده و به آنها ابلاغ کرده بود که باید با یکدیگر ادغام شوند والا کمک‌های مالی و تسلیحاتی رژیم مافیایی امریکا به هر دو گروهک قطع خواهد شد! در اجرای آن دستور و به‌عنوان گام اول، دو جناح انشعابی حزب منحله موسوم به دموکرات کردستان ایران در تابستان گذشته با یکدیگر ادغام شدند و در حال فراهم آوردن زمینه برای ادغام با گروهک کومله بودند که با افشاگری رسواکننده وزارت اطلاعات پیرامون وابستگی کومله به رژیم کودک‌کش صهیونیستی مواجه شدند، (اطلاعیه پنجم مردادماه روابط عمومی وزارت اطلاعات و مستند «عملیات بزرگ» که اخیراً از صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد) لذا مجبور به تعویق برنامه دستوری ادغام دو گروهک خائن و وابسته به بیگانگان شدند.

۴- دیدار تیم امریکایی از مقر گروهک موسوم به پاک

در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۱۵ هیأت سازمان جاسوسی امریکا به صورت پنهان و در هتل دیوان اربیل با سرکرده گروهک پاک به نام حسین یزدان‌پناه ملاقات کردند و به بررسی آخرین وضعیت گروهک پس از موشکباران مقر آن توسط دلاورمردان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پرداختند. آنها به وی قول کمک‌های بیشتر و امید دادند تا زودتر اوضاع گروهک را ترمیم کنند و به صحنه مبارزه با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برگردانند. سپس تیم C.I.A برای دادن روحیه به گروهک درهم‌پاشیده، به همراه حسین یزدان‌پناه و همسرش (هامِنو) از زخمی‌های موشکباران فوق‌الاشاره در بیمارستانی در اربیل عیادت کردند. همچنین کارشناسان نظامی همراه هیأت امریکایی از محل اصابت موشک‌های رزمندگان اسلام در مقرهای مختلف ضدانقلاب بازدید کردند تا توان و دقت تخریب موشک‌های سپاه مقتدر اسلام را ارزیابی نمایند.

۵- شبکه‌های ماهواره‌ای سفارشی کار

جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی که از قدیم یکی از مهم‌ترین ابزارهای استکبار جهانی برای استعمار، غارتگری، جنگ روانی و تحریف واقعیت‌های جهان به نفع غارتگران و علیه ملل ستمدیده بوده است، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و با پیوستن بازماندگان رژیم ساقط شده پهلوی و فراریان گروهک‌های تروریستی چپ و راست و منافق و فرقه‌های منحرف و سایر فراریان سابقه‌دار به جریان مسلط رسانه‌ای صهیونیستی، صورت و سیرتی دیگر پیدا کرد. جریان سلطه ضمن فراهم آوردن به‌روزترین امکانات و تکنولوژی رسانه‌ای (البته به هزینه گاو شیرده سعودی و امثالهم) و اعمال فرماندهی واحد رسانه‌ای بر آنها، به خطده آمرانه و بهره‌برداری استعمارگرانه از این نارسانه‌ها پرداخت.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ پرافتخار خود بویژه در مقاطع بروز برخی رویدادهای سال‌های گذشته همیشه با آوازه‌گری‌های مزورانه این نارسانه‌ها مواجه و با شیوه‌های آنها آشنا بوده است؛ اما بی‌شک در جریان اغتشاشات اخیر «بزرگ‌ترین عملیات تأثیرگذاری» و به عبارت دیگر «جنگ جهانی رسانه‌ای» علیه ملت سرافراز ایران طراحی و اجرا شد. علاوه بر سوژه‌سازی از هر پدیده طبیعی و مصنوعی و آوازه‌گری همنوای شبکه‌های مزدور فارسی‌زبان، موج‌سواری روی نارضایتی و خلق نارضایتی‌های سفارشی با جعل و روایت‌سازی دروغین از رویدادها، تبدیل نارضایتی به اعتراضات اجتماعی، دیگرگون کردن اعتراضات اجتماعی به سیاسی، تغییر جهت آنها به اعتراضات ساختاری و در نهایت تبدیل جملگی آنها به اغتشاش، شورش، جنگ خیابانی و... همان دستورالعملی است که شبکه‌های مذکور در اغتشاشات اخیر دنبال کردند. طُرفه آنکه شبکه‌ای همچون بی‌بی‌سی که از قدمتی دیرینه برخوردار است و قاعدتاً پیرامون شئون حرفه‌ای خویش باید حساس باشد، با چرخشی گسترده و تغییر کامل برنامه‌های عادی و روزانه خود و گذشتن از دیگر اخبار مهم جهانی، عملاً به مرتبه «صحنه‌گردانی عملیاتی اغتشاشگران خیابانی» تبدیل شد. همچنین است رسوایی شبکه همتای آن، ایران اینترنشنال سعودی که علاوه بر موضوع پیش گفته، رسماً به خط تجزیه ایران مقتدر و یکپارچه روی آورد و در نهایت صراحت از تجزیه‌طلبی و تجزیه‌طلبان حمایت کرد.

چنین چرخشی در شبکه‌های مزدور و چنین هزینه حیثیتی بالایی نمی‌تواند صرفاً ناشی از یک ارزیابی اشتباه از موقعیت توسط آن شبکه‌ها باشد، بلکه قطعاً مبتنی بر «یک راهبرد تازه، یک طرح بزرگ و یک بسته اطلاعاتی- عملیاتی» است که در سطوح بالای رژیم‌های امریکا و انگلیس اتخاذ شده و به این نوکران سفارشی‌کار ابلاغ شده است.

در وقایع اخیر سناریوهای نخ نمای «کشته‌سازی» و ادبیات تکراری اعتراف اجباری و خشونت سیستماتیک و نیز عوض کردن جای جلاد و شهید و ده‌ها شگرد شناخته شده دیگر، با شیوه ای یکسان اما با حجمی صدها برابر بیش از وقایع گذشته، نه تنها حیثیت نداشته شیپورهای انگلیسی، امریکایی و گاوان شیرده آن‌ها را بر باد داد، بلکه تمام موازین حرفه ای و بین‌المللی را درنوردید و سابقه مبتذلی بر سوابق سیاه آن‌ها افزوده شد که پیگرد حقوقی آنها و پیاده نظام فراری نارسانه‌های یادشده در دستور کار قرار دارد.

بخش سوم) مرحله پسا آشوب

در یک ماه و نیم گذشته، دشمن امریکایی و هم‌پیمانان خبیث و پیاده نظام مزدور و نارسانه‌های سفارشی‌کار آنها، یقیناً با کل توان خویش وارد عرصه جنگ ترکیبی تمام عیار و بزرگترین عملیات تأثیرگذاری با نظام مقدس جمهوری اسلامی شدند. برای جامعه اطلاعاتی پرافتخار کشور که شبانه‌روز و لحظه به لحظه تحرکات ائتلاف شیطان بزرگ را تعقیب می‌کردند، کمترین تردیدی وجود ندارد که حریف کل سناریوهای جنگ نرم و ترکیبی و عملیات تأثیرگذاری خویش را با همه توانمندی‌های قشون خود و هم‌پیمانان، وارد صحنه نبرد با ملت مقاوم و سرافراز ایران اسلامی کرد. اذعان داریم که دشمن مزاحمت ایجاد نمود، خسارت وارد کرد، تعدادی از جوانان این مرز و بوم را به خاک و خون کشید، اما با اتقان کامل می‌گوییم او نتوانست به هیچ‌یک از اهداف اصلی از پیش تعیین شده خود دست یابد. این ارزیابی مستدل و قطعی ماست که از قضای روزگار، دشمن امریکایی و انگلیس خبیث نیز بدان اذعان دارند اما جرأت و جسارت اعتراف آشکار به آن‌را ندارند. جامعه اطلاعاتی کشور، با الطاف الله و عنایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به ارزیابی داخلی سازمان‌های جاسوسی امریکا و انگلیس دسترسی یافته است که صریحاً دربردارنده آن اعترافات، هم در پیرامون شکست سناریوهای مجمع شیاطین و هم در باب اذعان به ریشه‌دار بودن «درخت تناور ایران اسلامی» و در قبول اقتدار غیرقابل انکار «ایران قوی» می‌باشند. امروز مصالح اطلاعاتی و امنیتی به ما اجازه نمی‌دهند که عین ارزیابی‌های اردوگاه سلطه را افشا کنیم، اما شاید در آینده، محذورهای کنونی رفع و امکان بر ملاکردن آن گزارشات فراهم گردد که در آن صورت طبل رسوایی دشمنان امریکایی، انگلیسی، صهیونیستی از بام فلک بر زمین خواهد افتاد.

علاوه بر دشمنی‌های گذشته و جاری، رژیم امریکا در تلاش است تا سیاست فشار حداکثری ترکیبی را علیه ملت شریف ایران در سال آتی میلادی نیز اعمال کند و بودجه‌های متعددی را بر پایه توهمات خود برای این منظور در نظر گرفته است. وزارت خزانه‌داری امریکا به اتفاق بخش‌های مختلف در جامعه اطلاعاتی و وزارت خارجه آن رژیم، ظرفیت انسانی و مالی بی‌سابقه‌ای را برای ایجاد فشار بر ایران اسلامی در قالب بسته‌های تحریمی به‌کار گرفته است. علاوه بر سیاست فشار حداکثری، ده‌ها پروژه به‌منظور بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران در قالب‌های گوناگون در نظر گرفته و صرفاً برای یکی از پروژه‌های مذکور که در این راستا طراحی شده ۵۵ میلیون دلار اختصاص داده شده است. آژانس رسانه‌های جهانی امریکا که یکی از شکست‌خورده‌ترین بخش‌های سیاست نفوذ امریکا در پوشش دیپلماسی عمومی است و بودجه ۸۴۰ میلیون دلاری دارد صرفاً برای مقابله رسانه ای و عملیات روانی علیه مردم ایران مبلغ ۱۳۱/۳ میلیون دلار در نظر گرفته است. این پروژه‌ها صرفاً معطوف به عملیات روانی علیه مردم داخل کشور نیست؛ یکی از برنامه‌های آتی رژیم امریکا تخریب وجهه ملت ایران در میان ملت‌های دوست و همسایه و در نتیجه تضعیف سیاست‌های ثبات‌ساز جمهوری اسلامی ایران در منطقه و انتقال ناامنی‌های پیرامونی کشور به داخل است، به‌طوری‌که در جهت تحقق آن، بودجه اختصاصی تعریف کرده و برای دفتر متولی این امور ۳۵۳ میلیون دلار در نظر گرفته است.

جالب توجه است که دفتر تحقیق و اطلاعات وزارت خارجه امریکا برای مقابله با نفوذ قدرت‌های خارجی در داخل امریکا ۸۷ میلیون دلار بودجه و ۳۹۴ نیروی کارشناس اختصاص داده است. این دفتر که یکی از اعضای جامعه اطلاعاتی امریکا محسوب می‌شود، با سوءبرداشت نسبت به وضعیت حاکم بر جامعه قطبی شده امریکا و تبعیض‌های سیستماتیک در آن، ریشه این مشکلات را در نفوذ سایرین در محیط سیاست داخلی خود جست‌وجو می‌کند و برای موضوع ایران بودجه و پروژه مستقل تعریف کرده است. علاوه بر این موارد دولت جنایتکار امریکا که تنها استفاده کننده از سلاح کشتار جمعی هسته‌ای در طول تاریخ بوده و هم‌اکنون نیز از رژیم صهیونیستی (دارنده تسلیحات هسته‌ای بدون نظارت هیچ نهاد بین‌المللی) حمایت می‌کند، برای به‌اصطلاح مقابله و از بین بردن ظرفیت هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و فشار بر برخی دیگر از کشورها مبلغ ۲۹۵ میلیون دلار در نظر گرفته است.

این موارد صرفاً بخشی از بودجه‌ها و امکاناتی است که رژیم تروریست امریکا برای تضییع حقوق ملت بزرگ ایران تحت عناوین مختلف وضع کرده است و ظرفیت‌های مختلف دیگری را در قالب‌های پنهان و غیررسمی اختصاص داده که هدف اصلی آن حمایت پنهان از عناصر تولید ناامنی و آشوب در داخل کشور و زنده نگه‌داشتن کورسوی آتش اغتشاشات است.

طبق اطلاعات معتبر، پس از سیر نزولی‌یافتن پروژه اغتشاشات، کانال‌های منتهی به ائتلاف شیطانی، به پیاده نظام خود ابلاغ کرده‌اند تا آمادگی خویش را حفظ و محورهای ذیل‌الذکر را به‌عنوان خطوط اصلی اقدامات مورد تأکید قرار داده‌اند:

۱- تقویت ابزارهای مخرب تأثیرگذاری از طریق فضای سایبر به هر شکل ممکن و از هر طریقی. (شبکه‌های اجتماعی امریکایی به‌مثابه سلاح استراتژیک).

۲- علاوه بر مقامات امریکایی و انگلیسی، با دولتمردان سایر کشورهای اروپایی نیز ارتباط برقرار کرده و تلاش نمایند آنها را در این پروژه دخیل نمایند.

۳- حفظ آهنگ تخریبی نارسانه‌های فارسی زبانِ عمدتاً لندنی- سعودی علیه نظام مقدسِ جمهوری اسلامی ایران.

۴- تحریک به اعتصاب در صنایع مختلف بویژه در صنایع نفت و گاز با هدف قطع درآمدهای نفتی و نیز فلج کردن حمل و نقل کشور.

۵- دامن زدن به اعتصاب مغازه‌ها و بستن بازارهای کشور با هدف فشار بر مردم و افزایش نارضایتی و نهایتاً پیوند اعتصابات مختلف به یکدیگر.

۶- تأکید ویژه بر کشته‌سازی از طریق انتساب هر قتل و حادثه‌ای به نیروهای امنیتی و انتظامی، یا هدف قرار دادن اغتشاشگران در صحنه توسط تروریست‌های اجاره‌ای و انتساب آنها به نیروهای نظام یا بهره‌گیری از سایر روش‌ها.

۷- هر اتفاق طبیعی و مصنوعی باید به سمت یک اغتشاش سیر کند و نیز هر اعتراض مدنی به شورشی خونین تبدیل شود.

۸- به تعطیلی کشاندن مدارس و دانشگاه‌ها.

رژیم دژخیم امریکا نه پیشینه درخشانی دارد که به اعتبار تاریخش اکنون صلاحیت دخالت در عرصه‌های جهانی را دارا باشد و نه آینده‌ای که به امید آن، در اندیشه حکمرانی جهانی در آینده باشد. در باب گذشته امریکا، شالوده مافیایی آن رژیم بر غصب سرزمین بومیان و قتل و نابودسازی حرث و نسل صاحبان آن مُلک شکل گرفته و پس از آن با ربایش و اسارت سیاه‌پوستان آفریقایی و استثمار شیره جان آنها و اعمال بزرگترین، عمیق‌ترین و بی‌سابقه‌ترین تبعیض نژادی در طول تاریخ و پهنه جغرافیا، گرد آمدن قسی‌ترین و حرفه‌ای‌ترین جانیان جهان در آن جغرافیا، تشکیل گسترده‌ترین دولتِ متشکل از حرامیانِ سرگردنه‌های جهان، تنها بکار برنده سلاح‌های هسته‌ای در دنیا، عامل کودتاهای متعدد و خونین در پهنه گیتی، عامل مستقیم و غیرمستقیم خونبارترین جنگ‌های روی زمین، بانیانِ آشکار تروریسم رسمی و دولتی در عرصه بین‌المللی آن هم بنا به شهادت سردار بزرگ جهان اسلام حاج قاسم سلیمانی، بزرگ‌ترین سازنده و دلال تسلیحات کشتار جمعی، خالق جنایتکارترین تروریست‌های آدم خوار همچون داعش و گروهک‌های تکفیری هم‌سنخ آن، حامی پرسابقه‌ترین و خائن‌ترین تروریست‌های جهانی از نوع تروریست‌های آلبانی‌نشین با حداقل ۱۲ هزار قربانی، پشتیبان خونریزترین و بد